

بررسی تأثیر ارتباطات کلانتری‌ها با صنوف در پیشگیری اجتماعی از جرائم (مورد مطالعه: صنوف حوزه کلانتری ۱۰۹ بهارستان)

نوذر امین صارمی^۱، رضا عبدالرحمانی^۲، حسن توکلی^۳

از صفحه ۱۵۹ تا ۱۷۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۱۰

چکیده

هدف و زمینه: هدف اصلی این مقاله بررسی تأثیر تعاملات روسا و کارکنان کلانتری ۱۰۹ بهارستان با صنوف منطقه را در پیشگیری اجتماعی از جرائم مورد بررسی و تحلیل قرار داده، سهم تعاملات کلامی، غیر کلامی و رسانه‌ای کلانتری‌ها را با صنوف در پیشگیری اجتماعی از جرائم در آن منطقه مشخص نماید.

روش تحقیق: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی از نوع همبستگی است. جامعه آماری آن شامل صنوف و کسبه حوزه کلانتری ۱۰۹ بهارستان به تعداد ۲۸۰۰ واحد، با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای (هر واحد به عنوان یک طبقه) متناسب، تعداد هشت طبقه و با توجه به جدول مورگان تعداد ۳۴۰ نفر از کسبه حوزه کلانتری یادشده به عنوان حجم نمونه، انتخاب شدند. روایی تحقیق با استفاده از روایی منطقی و پایایی آن نیز از طریق ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۴) به دست آمد.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان داد مهارت کلامی، مهارت غیر کلامی و ارتباط رسانه‌ای کلانتری‌ها با صنوف در پیشگیری اجتماعی از جرائم تأثیر دارد.

نتایج حاکی است؛ در شاخص مهارت کلامی «آموزش چهره به چهره صنوف توسط پلیس»، در مهارت غیر کلامی «احترام به قانون و مجریان قانون در صنف‌ها» و در ارتباط رسانه‌ای «توزیع فیلم آموزشی، سی‌دی، عکس هشدار دهنده توسط پلیس» مهم‌ترین اولویت‌ها را دارند.

کلید واژه‌ها: تعاملات کلامی، تعاملات غیر کلامی، تعاملات رسانه‌ای، پیشگیری اجتماعی.

^۱ دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه علوم انتظامی امین. تهران. ایران. naminsaremi@gmail.com

^۲ دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه علوم انتظامی امین. تهران. ایران. نویسنده مسئول. Rar0664@yahoo.com

^۳ کارشناس ارشد پیشگیری اجتماعی از جرائم، دانشگاه علوم انتظامی امین. تهران. ایران.



مقدمه و بیان مسئله

تعاملات اجتماعی عموماً بیانگر تأثیرگذاری متقابل ارتباطات میان دو یا چند نفر، گروه و سازمان است (آوتویت و باتامور، ۱۳۹۲). تعامل اجتماعی را می‌توان فرآیندی دانست که اعضای یک گروه، سازمان، جامعه و یا دولت با همدیگر کنش متقابل دوسویه یا چند سویه داشته، از طریق انواع ارتباطات کلامی، غیرکلامی و گاه رسانه‌هایی مانند تلفن، ویدئوکنفرانس، نشریات و ... پیام‌های خود را به دیگری رسانده، اثر می‌گذارند و اثر می‌پذیرند. به‌طور کلی تعاملات و مهارت‌های اجتماعی - ارتباطی پلیس به آن دسته از توانمندی‌ها و مهارت‌هایی مانند: قدرت بیان و زبان بدن گفته می‌شود که ما (پلیس‌ها) در تعاملات میان فردی خود و در رویارویی با دوستان، همکاران، و بالاخره مردم عادی به کار می‌گیریم تا از خلال آن پیام خویش را (که به‌طور مشخص حفظ نظم و امنیت فردی - اجتماعی می‌باشد) به مخاطبان برسانیم (هارجی و ساندرز و دیکسون، ۱۳۷۷: ۲۳۱).

یکی از مهم‌ترین اشکال حفظ نظم و امنیت فردی - اجتماعی برای پلیس، پیشگیری اجتماعی از جرم با تأکید بر تعاملات اجتماعی کلانتری‌ها، مشارکت دادن شهروندان، گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی (بیات و شرافتی‌پور و عبدی، ۱۳۸۷: ۲۲) و نیز همکاری و مشارکت با صنوف مختلف است که طی چند سال گذشته به‌عنوان یکی از راهبرد اساسی ناجا در دستور کار قرار گرفته است (صارمی و عبدالرحمانی و توکلی، ۱۳۹۷: ۳۹). کما این که امروزه، سیاست‌های جامع پیشگیری اجتماعی از جرم، در متن سیاست‌های کنترل و پیشگیری از جرم کشورهای مختلف و البته ایران قرار گرفته است (محمد نسل، ۱۳۸۷: ۱۴۰؛ نپر و دوک و شاپلند، ۱۳۹۵: ۳۳؛ فریدمن^۱، ۱۹۹۲).

یافته‌های بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهد که کلانتری‌ها به تنهایی و بدون مشارکت سایر سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی و دولتی نمی‌تواند به پیشگیری از جرم اقدام کند (عبدالرحمانی و کشتکار، ۱۳۹۳: ۳۳؛ حبیب زاده و عبدالرحمانی، ۱۳۹۳: ۵۱). آنچه در مطالعه ادبیات پلیسی کشورهای موفق در مهار و کنترل نرخ جرم مشاهده می‌شود، درک این واقعیت توسط پلیس است که برای مهار جرم، بیش از آن که به خود متکی باشد، به حمایت‌های عمومی و تشکل‌های مردم نهاد در کنار سایر سازمان‌های مسئول پیشگیری، نیازمند است. امروزه کمتر برنامه موفقی را می‌توان مشاهده کرد که در آن کلانتری‌ها بتوانند به تنهایی و بدون بهره گرفتن از نهادهایی نظیر خانواده، رسانه‌ها، اصناف، مساجد و غیره به اهداف پیشگیرانه دست یابند.

طرح تعامل کلانتری‌ها با صنوف، یکی از پروژه‌های تعاملی پلیس در راستای استراتژی جامعه محوری پلیس و پیشگیری از جرایم است (عبدالرحمانی، ۱۳۷۹: ۳۹؛ ماریس^۲، ۱۹۹۳). برابر تحقیقات و آمارهای ثبت شده، عمده جرایم و ناهنجاری‌های اجتماعی، در موقعیت‌های مرتبط با صنف‌ها بوده و افزایش این‌گونه جرائم، موجب شیوع و افزایش جرم و جنایت در مراکز خرید و در سطح جامعه است. بنابراین حضور و تعامل صمیمی کارکنان کلانتری‌ها در میان صنوف، فارغ از هر

^۱ Friedman RR (1992)

^۲ Marais, E. (1993)



هدف یا نتیجه‌ای که به دنبال داشته باشد، می‌تواند در عمیق‌تر شدن روابط پلیس، افزایش اعتماد و رضایت‌مندی و در نتیجه‌گیری نهایی پیشگیری از جرم موثر باشد (در این خصوص رجوع کنید به: محمد نسل، ۱۳۸۷: ۴۹؛ بیات، ۱۳۹۴: ۷۶؛ قاسمی کهریزسنگی، ۱۳۸۷؛ عبدالرحمانی و کشتکار، ۱۳۹۳: ۳۷).

با توجه به اهمیت موضوع پیشگیری از جرم در سال‌های اخیر، پلیس ایران کوشش می‌کند با مطالعه منابع موجود در این زمینه و بهره‌مندی از تجربیات کشورهای دیگر، بخشی از فعالیت‌های خود را معطوف به اقدامات اجتماعی و فرهنگی پیشگیری از جرم، مانند تقویت گفت و گو با مردم، افزایش قدرت بیان و اقناع سازی پلیس‌ها، ارسال پیام‌های رسانه‌ای نماید. زیرا طی چند دهه اخیر اقدامات پیشگیری از جرم با تاکید بر قدرت ارتباطات و رسانه‌ها (نماینان و شهبازی، ۱۳۹۹: ۸۰) نسبت به اقدامات کیفری (دستگیری و مجازات) و درمانی و یا اصلاح مجرمین در کشورهای گوناگون نتایج روشن‌تری به دنبال داشته و موجب کاهش هزینه‌های مادی و معنوی شده است. به گونه‌ای که در اغلب کشورهای جهان این بحث به اساسی‌ترین راهبرد دولت‌ها تبدیل شده است. نگاه اجتماعی و ارتباطی به پدیده جرم (یعنی استفاده از ارتباطات کلامی و غیرکلامی پلیس‌ها) موجب می‌شود که اقدامات پیشگیرانه، فراتر از سطوح کیفری تعریف شوند و این امر می‌تواند زمینه اصلاح ساختارها را نیز فراهم آورد (بیات و همکاران، ۱۳۸۷). در حال حاضر، مسئله مهم از نظر پلیس این است که بایستی از طریق مشارکت مردم در امور اجتماعی و دخیل کردن آن‌ها در فرایند تصمیم‌گیری هزینه‌های اجتماعی را کاهش داد و سعی کرد تا با تکیه بر توان مشارکت مردمی و به کارگیری رسانه‌های مختلف و قدرت اقناع‌کنندگی پلیس‌ها، به هدایت و کنترل جامعه پرداخت. در صورتی که نگاه جامعه و مردم تا حدی متفاوت با نگاه کلانتری‌ها است و آنان خواهان این هستند که بیشتر امور را به کلانتری‌ها محول کنند و خود کمتر در اداره امور دخیل شوند. در صورتی که در نگاه جدید و در عصر ارتباطات و اطلاعات، تاکید بر پلیس مشارکتی است و کلانتری‌ها سعی دارند با گفت و گو و تعامل با گروه‌های مختلف اجتماعی، مردم را محور اداره امور قرار دهند و از این طریق در اداره و کنترل جامعه موفق‌تر عمل کنند. حضور پلیس در کنار اصناف با رویکرد آگاه‌سازی شهروندان (با کمک‌گیری از ارتباطات و رسانه‌ها) از جمله اولویت‌های پلیس می‌باشد و بررسی تعاملات مابین پلیس و اصناف و ارائه راه‌کارهایی به منظور تقویت این رابطه، به بهبود برنامه‌های پیشگیرانه کلانتری کمک خواهد کرد و ضرورت انجام چنین تحقیقاتی نیز از همین مسایل ناشی می‌شود.

بر این اساس محقق بر آن شده تا تأثیر تعاملات روسا و کارکنان کلانتری ۱۰۹ بهارستان با صنوف منطقه را در پیشگیری اجتماعی از جرائم را مورد بررسی و تحلیل قرار داده، سهم تعاملات کلامی، غیرکلامی و رسانه‌ای کلانتری‌ها را با صنوف در پیشگیری اجتماعی از جرائم در آن منطقه را تعیین نماید.



مبانی نظری

پیشینه تحقیق

رجبی پور (۱۳۸۳) در تحقیق خود ضمن بررسی نقش پلیس در پیشگیری از انواع جرم و بزه کاری، به تأثیر مثبت تعامل پلیس با شهروندان در کاهش جرایم پرداخته و اذعان نموده که هرچه نقش پلیس در پیشگیری از جرایم پررنگ تر جلوه نماید، موفقیت‌های پلیس در کاهش جرایم و همچنین کاهش هزینه‌های مادی و معنوی و حفاظت از سرمایه‌های انسانی و اجتماعی کشور بیشتر می‌گردد. عبدی و بهاری (۱۳۸۶) و بهادری (۱۳۸۶) نیز به همین رابطه اشاره کرده اما با فرضیاتی که به سه گانه تعامل پلیس با مدیران مدرسه‌ها، والدین دانش‌آموزان، و خود دانش‌آموزان اشاره دارد. به باور وی هر سه متغیر فوق در پیشگیری اجتماعی از جرم موثر بوده است.

یافته‌های عبدی و شرافتی پور (۱۳۸۶) به این نتیجه رسید که چند متغیر ارتباطی در عدم اثربخشی پیشگیری اجتماعی از جرم مؤثرند؛ آن‌ها عبارت است از: نبود یک سیاست هماهنگ و جامع در زمینه پیشگیری از جرم، فعالیت‌های متعدد و پراکنده و بی‌هدف و نبود همکاری میان دستگاه‌های مسئول در امر پیشگیری از جرم، مواضع و دیدگاه‌های متفاوت و گاه متناقض سازمان‌های مسئول در امر پیشگیری از جرم، مشارکت ضعیف مردم و سازمان‌های غیردولتی به دلیل فراهم نبودن زمینه مشارکت و توجه نداشتن کافی مسئولان به پیشگیری از جرم و پرداختن به آن به شکل فصلی به‌ویژه در دو حوزه قانون‌گذاری و اجراء از مهم‌ترین عوامل ناکارآمدی سیاست‌های پیشگیری در کشور محسوب می‌گردد.

رویگرد چند نهادی به پیشگیری از خشونت در مدارس کار کهریز سنگی (۱۳۸۶) بود که طی آن دریافت، نابسامانی خانوادگی، ارتباط و نشست و برخاست با دوستان کجرو، ضعف تحصیلی و ضعف کنترل نظام آموزشی به ترتیب زمینه‌ساز بروز خشونت در مدارس هستند. مدبر و چوپانی رستمی (۱۳۸۸) مقاله‌ای با عنوان پیشگیری اجتماعی از جرائم زنان و دختران (با تأکید بر نقش تعاملی پلیس زن در آن) انجام دادند و در آن به این نتیجه رسیدند که پیشگیری اجتماعی از جرائم زنان و دختران، فقط وظیفه پلیس زن نیست، بلکه کلیه نهادهای مسئول در جامعه باید با هم همکاری داشته باشند و با اتحاد با یکدیگر به این مهم عمل کنند. جوانمرد (۱۳۸۸): تراویوجس و بونی^۱، (۱۹۹۰). تحقیقی با عنوان تعامل پلیس و دستگاه قضایی ایران در زمینه پیشگیری از جرایم انجام داده که طی آن به این نتیجه رسیده که به نظر می‌رسد اگر اقدامات اخیر پلیس، با همکاری سایر دستگاه‌های مربوطه و با تأکید بر نهاد عدالت کیفری، صدا و سیما و پذیرش عمومی مردم همراه شود، می‌تواند پایه یک تحول اساسی و گامی در جهت ارتقای کیفیت زندگی در کلان شهرها باشد. نوروزی و افراسیابی (۱۳۸۹) مقاله‌ای با عنوان رویکرد جامعه‌محور به پیشگیری از جرم در پلیس ایران انجام دادند. نتایج این مقاله بیانگر این است که: تدوین نظام‌نامه اخلاقی اکرام ارباب رجوع برای تمام مشاغل اجرایی پلیس، سیاست‌گذاری در زمینه رفتار کرامت‌مدار با بزه دیدگان و متهمان،

¹ Trajanowicz, Robert C; Bucqueroux, Bonnie

کاهش مراحل اداری (بروکراسی) در سازمان پلیس و برنامه‌ریزی برای ارتقای رضایتمندی شهروندان از پلیس، از اهم راه‌کارهای درون سازمانی است که زمینه مشارکت اجتماعی در تدابیر پیشگیرانه پلیس را فراهم می‌کند. حبیب زاده و عبدالرحمانی (۱۳۹۰) تحقیقی با عنوان نقش سازمان‌های غیر امنیتی در ایجاد بسترهای امنیت شهرهای ساحلی برای ارائه مدل تعاملی انجام دادند که طی آن مشخص گردید معین شدن سهم هر یک از سازمان‌های رسمی غیر متولی امنیت در تامین و استقرار امنیت در شهرهای ساحلی در پیشگیری اجتماعی از جرم تعیین‌کننده خواهد بود.

بادلی و همکاران (۱۳۹۲) بر روی عوامل موثر بر رضایتمندی اصناف از عملکرد پلیس نظارت بر اماکن عمومی تحقیق کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که فرآیند بررسی صلاحیت ترافیکی و نحوه پاسخ‌گویی و تعامل کارشناسان با متصدیان اصناف بیشترین تاثیر را به‌طور مستقیم بر رضایت مندی اماکن عمومی و متصدیان اصناف داشته است. عبدالرحمانی و کشتکار (۱۳۹۳) پژوهشی را برای نشان دادن تاثیر تعاملات برون سازمانی روسای کلانتری در پیشگیری از جرایم در شهر کرمانشاه انجام دادند، که تغییرات مهارت‌های ارتباطی (کلامی)، مهارت‌های ارتباطی (غیرکلامی)، تعاملات رسمی و تعاملات غیررسمی کلانتری‌ها به‌طور همزمان رابطه معنی‌داری با متغیر تعاملات برون سازمانی در پیشگیری از جرایم داشتند و با توجه به آزمون رتبه‌بندی کندال، مشاهده می‌شود که کمترین میانگین رتبه را مهارت‌های ارتباطی کلامی (۱،۲۳)، دومین میانگین رتبه را تعاملات رسمی (۲،۵۸)، سومین میانگین رتبه را مهارت‌های ارتباط غیرکلامی (۳،۴۱) و بالاترین میانگین را تعاملات غیررسمی (۵،۰۰) دارند.

شرفیان (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «نقش تعامل پلیس و دستگاه قضایی در کاهش جرائم» (مطالعه موردی استان کهگیلویه و بویراحمد) دریافت هر گاه تعامل و ارتباط سازنده میان دستگاه‌ها در کاهش جرایم بیشتر باشد، ارتکاب جرم نیز کاهش می‌یابد. اسدی فر (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «نقش تعاملات اجتماعی کارکنان پلیس در مدیریت پیشگیری از جرم» دریافت، میزان تعامل اجتماعی کارکنان پلیس با مردم از دید پاسخ‌گویان در حد متوسط و اعتماد مردم به پلیس به میزان زیاد است. با اثبات سه فرضیه تحقیق مشخص شد که تعاملات اجتماعی پلیس با مردم خصوصا در ابعاد سه گانه گفتمانی، عاطفی و مبادله‌ای همگی تاثیر به‌سزایی در افزایش همکاری مردم با پلیس در طرح‌های پیشگیرانه انتظامی داشته است. اسدی فرد و ذوالفقاری (۱۳۹۶) در بررسی نقش تعاملات اجتماعی کارکنان پلیس در مدیریت پیشگیری از جرم به این نتیجه رسیدند که تعامل اجتماعی کارکنان پلیس با مردم به‌عنوان یکی از مهارت‌های مهم ارتباطی پلیس نقش به‌سزایی در اجرای هرچه بهتر ماموریت‌ها به ویژه در زمینه مدیریت پیشگیری از جرم دارد. محمدی (۱۳۹۷) در نتایج تحقیق خود ادعان داشت که تعامل سازنده با نیروی انتظامی و طراحی محیطی می‌تواند در افزایش امنیت و کاهش جرم موثر باشد. شاطری و همکارانش (۱۳۹۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که آموزش‌های تعامل با مشتریان و ارباب رجوع‌ها در برقراری امنیت موثر است. کریمی مزیدی و رحیم نیا (۱۳۹۹) در تحقیق خود



دریافتند که با بهبود تعامل مردم با پلیس، امنیت روانی و اجتماعی ارتقاء می‌یابد. نمایان و شهبازی (۱۳۹۹) در بررسی ارتقای امنیت اجتماعی از طریق پیشگیری جامعه‌مدار از ارتکاب جرم در پرتو رهیافت‌های دینی دریافتند مادامی که تعامل اجتماعی به نحوی مطلوب میان کلیه اقشار نظام اجتماعی وجود دارد، موجبات پیشگیری جامعه‌مدار از ارتکاب جرم را نیز فراهم خواهد آورد.

لیتاک و هایلتنون (۱۹۶۲) در خصوص ارتباطات برون سازمانی سازمان‌های مستقلی که با هم همکاری دارند و به دنبال رفتارهای منظمی هستند، به تحقیق پرداختند. چارچوب کلی ایده آن‌ها این بود که آژانس‌های همکاری، اگر چه رسمی‌اند، اما با بخشی از وابستگی‌های درونی میان سازمانی روبه‌رو هستند که تعریف استاندارد از شرایط دارند. رید (۱۹۶۵ و ۱۹۶۹) با تأکید بر روابط سازمان‌های مستقل با افزودن چارچوب تئوریک لیوینگ و وایت و لیتاک، هایلتنون اظهار کرد که سه نوع اساسی الگوی رفتار در ارتباطات بین سازمان وجود دارد: مستقل، وابسته و متخاصم (ویگانند، ۱۹۷۷ و ۱۹۷۴) در یکی از آخرین و گسترده‌ترین تحقیقات در باره ارتباطات برون‌سازمانی (که منابع مختلف بین سال‌های ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۳ را مورد بررسی قرار داده است)، مشخص گردید که علاقه‌مندی‌های مختلفی در حوزه‌های ارتباطات به‌وجود آمده و تئوری‌های مختلفی برای حل مشکلات و بحران‌های مختلف اجتماعی، که امنیت و جرم مهم‌ترین آن‌هاست، ظهور یافته است. یکی از یافته‌های مهم این تحقیق آن بوده که گروهی از محققان (مانند پاتنام و فیرهورست، تیلور و توروجیلو، شیاپلو و فیرکلوگ، پائول سن، گراهام، جونز، کالان و گالیوس در سال‌های پس از ۲۰۰۰) حوزه‌های مختلف به این نتیجه رسیدند که در تحلیل ارتباطات (درون و بین) سازمانی برای غلبه بر مسایل اجتماعی باید از تئوری‌های همه علوم در سطوح متنوع (خرد و میانه و کلان) سود برد.

مور و همکارانش (۲۰۱۲) با تدوین کتابی با عنوان «مدیریت و رفتار سازمانی نیروی پلیس» فصلی مجزا را به ارتباطات (درون و برون سازمانی) اختصاص دادند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که مدیران و فرماندهان پلیس باید از نحوه برقراری ارتباطات متقابل با کارکنان، هم‌قطاران، مدیران ارشد و سهامداران فعال در خارج از سازمان آگاهی کافی داشته باشند، چرا که ارتباطات بین فردی و برون سازمانی ضعیف میان ماموران در درون و بیرون از سازمان، معمولاً به تصمیم‌گیری‌های ضعیف می‌انجامد. یافته‌ها نشان داد که برخی از رموز موفقیت پلیس‌ها در حوزه کاریشان، این بود که ضمن برقراری ارتباطات موثر با همکاران (به جهت میان فردی در درون سازمان)، ارتباطات میان فردی یا گروهی موثری (در بیرون از سازمان) برقرار کرده بودند. در کنار این، آن‌ها دریافتند که کانال‌های ارتباطاتی پلیس میان افراد و سازمان‌ها باید به‌طور کامل مشخص شوند تا از این راه، تبادل اطلاعات در سطوح مختلف سازمان و همچنین تفویض اختیارات در آن ممکن شود. این امر تا اندازه زیادی به کارآمدی بهتر پلیس‌ها کمک کرده به رضایت شغلی آنها می‌انجامد. مور و همکارانش خاطر نشان کردند که افراد جامعه تأکید زیادی را به همکاری، تعامل و ارتباطات هدفمند پلیس با دیگر گروه‌ها و سازمان‌ها در خصوص ماموریت‌های پلیسی از خود نشان می‌دهند.

شاو (۲۰۰۹) در کتاب خود عنوان داشت که نقش پلیس می‌تواند در اصل بازدارنده یا پیشگیرانه باشد. مصادیق رویکرد بازدارنده شامل حضور افراد یونیفرم پوش پلیس برای اهداف نظارتی یا استفاده از ماموران مخفی پلیس است. رویکرد پیشگیرانه می‌تواند شامل آموزش پیشگیری از جرایمی مانند استعمال موادمخدر، سرقت و جرایم منافی عفت باشد نویسنده ضمن بررسی تجربیات و برنامه‌های همکاری پلیس و مردم نسبتاً ساختارمند به نظر خواهد رسید، در صورتی که پلیس بخشی از برنامه جامع‌تر یا شبکه مشارکت چندجانبه راتشکیل دهد. «الیور» (۱۹۹۰) شش علت یا هدف برای ایجاد ارتباطات برون سازمانی بر شمرده که عبارت است از: «ضرورت»، «عدم تقارن»، «تقابل»، «کارآیی»، «ثبات»، «مشروعیت» (کرباسیان، ۱۳۸۸: ۲۹). جمع بندی منابع و پیشینه داخلی و خارجی نشان می‌دهد که بیشتر تحقیقات یاد شده اگر چه بر موضوع پیشگیری و پیشگیری اجتماعی پلیس با کمک جامعه تاکید داشتند و نیز راهبرد خود قرار داده بودند، با این وصف تاکید بر حوزه ارتباطات (کلامی و غیر کلامی) و رسانه‌ها اندک بوده است. ضمن آن که این تحقیق گروه خاصی از اقشار جامعه (صنوف) را بررسی کرده که بیشتر کمتر مورد توجه بوده است. در انتها باید گفت که موضوع تاثیرات رسانه‌ها و استفاده پلیس از آن در افزایش نظم و امنیت با تاکید بر تعامل با صنوف تا کنون مورد اقبال نبوده و این تحقیق در ردیف اولین تحقیقات می‌باشد.

پیشگیری اجتماعی از جرایم: شامل مجموعه اقدامات پیشگیرانه از جرایم است که به دنبال حذف یا خنثی کردن آن دسته از عواملی می‌باشد که در تکوین جرم موثر است. این نوع پیشگیری بر مبنای علت شناسی جرم استوار است و با دخالت در محیط‌های اجتماعی مانع از شکل‌گیری جرم و خنثی‌سازی عوامل جرم‌زا می‌گردد (شاکری، ۱۳۸۲: ۱۱). نکته مهم‌تر آن است که پیشگیری اجتماعی از طریق آموزش، تربیت، ترغیب و تنبیه در صدد آن است تا معیار شناخت اعمال خوب و بد را به فرد القاء کند و قدرت ارزشیابی عملکرد خویش را به او بدهد. پیشگیری اجتماعی از جرم مستلزم قبول این واقعیت است که عوامل مختلفی در تکوین جرم نقش دارند که باید خنثی کنند. پیشگیری اجتماعی یعنی مداخله در محیط اجتماعی عمومی، مانند محیط‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و محیط اجتماعی شخصی مانند محله، خانواده، مدرسه و ... (نجفی ابرنآبادی؛ ۱۳۷۳ و ۱۳۷۲).

تعاملات اجتماعی: تعامل اجتماعی را می‌توان فرآیندی دانست که طی آن اعضای یک گروه، سازمان، جامعه و یا دولت با همدیگر کنش متقابل دوسویه یا چند سویه داشته، از طریق آن پیام‌های خود را به دیگری رسانده، برهم دیگر تاثیر متقابل می‌گذارند. در مفهوم عملیاتی آن عبارت است از آن دسته از توانمندی‌ها، مهارت‌ها و ابزارهای که پلیس‌ها در مواجهه خود با دیگران (با دوستان، همکاران، خانواده، گروه‌ها، سازمان‌ها و... بالاخره مردم عادی) به کار می‌گیرند تا از طریق آن به هدف خود (که حفظ نظم و امنیت فردی و اجتماعی، و پیشگیری از جرم است) برسند. اگر چه دسته‌بندی‌های گوناگونی برای تعاملات وجود دارد، با این وصف تعاملات پلیس در این مقاله در سه حوزه کلامی، غیر کلامی و رسانه‌ای دیده شده است.



دسته‌بندی تعاملات به ارتباطات کلامی و غیرکلامی^۱ (بارکر: ۱۳۸۸، ۲؛ فرهنگی، ۱۳۷۴؛ گیدنز، ۱۳۷۳: ۷۶۰؛ ایکاف، ۱۳۸۶: ۷۳)، یکی از انواع دسته‌بندی‌های ارتباطات است، که یکی به زبان و دیگری بر حرکات، نمادها، ایما و اشارات نظر دارد. زبان نه فقط مهم‌ترین رمزگان ارتباطات کلامی انسانی و مشتمل بر نشانه‌های معنادار و قواعد دستوری خاص (گیل و آدامز، ۱۳۸۴: ۱۵۵)، که اکثر تعاملات ما با دیگران از طریق آن است (فرگاس: ۱۳۷۹: ۱۴۷). زبان وسیله‌ای است که از طریق آن سخن می‌گوییم، واقعیت‌ها را سازماندهی کرده، بدان معنا می‌بخشیم. بیشتر افراد بر این باورند که زبان موجب می‌گردد در باره چیزها به روش خاصی فکر کنیم و به شیوه‌هایی رفتار کنیم که منعکس‌کننده زبانمان است. به تعبیر دیگر مطالعه زبان، در واقع مطالعه روش زندگی و شیوه نگاه کردن به جهان است (مایرز و ماریرز، ۱۳۸۳: ۲۱۹). بیشترین کاربرد کلام، در واقع صحبت‌های برنامه‌ریزی شده و اتفاقی است که در گفت و گوهای رسمی و غیر رسمی با دیگران انجام می‌شود، مانند احترام به دیگران، خطاب کردن دیگران و سخن گفتن با آن‌ها. ساده‌ترین و پیش‌پاافتاده‌ترین صحبت‌ها و مکالمات روزمره ما گاه آنچنان پیچیده می‌شود که می‌تواند روابط چند ده ساله را خدشه دار کند.

از این رو دانستن کدهای زبان محلی و صنفی برای همه مردم، به‌ویژه پلیس‌ها الزامی است (حبیب زاده و عبدالرحمانی، ۱۳۹۰). بسیاری از کلماتی که در صحبت‌های معمولی ما به کار می‌روند، معانی دقیقی ندارند. زندگی اجتماعی روزانه ما در قالب یک سلسله رویارویی‌ها و تعاملات با دیگران در زمان‌ها، مکان‌ها، موقعیت‌ها و زمینه‌های مختلف رخ می‌دهد. بیشتر ما پلیس‌ها در زندگی روزمره یا حرفه‌ای خود با افراد مختلفی روبه‌رو شده، یا با آنها هم کلام می‌شویم، که برخی از آن‌ها گفت و گوهای زودگذر و سطحی و برخی دیگر ملاقات‌های رسمی بسیار وقت‌گیر و گاه خسته‌کننده (در جلسه‌ها) را در بر می‌گیرد. در جایی ممکن است نزدیک هم ایستاده آهسته و درگوشی سخن گوئیم و بر عکس در جایی دیگر ممکن است دور از هم بوده بلند صحبت کنیم. ممکن است در یک موقعیت رسمی (در یک جلسه یا در اتاق درسته‌ای که در خصوص شیوه ثبت اسناد یا راه اندازی یک پایگاه اطلاع رسانی پلیس در حضور فرمانده صحبت می‌شود) یا به محض ورود یک غریبه به مکانی که شما در حال صحبت با دوست و همکاران هستید (مثلاً داخل اسانسور) شیوه‌های سخن گفتن شما با او تغییر کند. بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که زبان به نحای مختلف (در شرایط زمانی و مکانی و اجتماعی گوناگون) بر رفتار ما تاثیر می‌گذارد و البته تاثیر هم می‌پذیرد.

هس و میلر معتقدند پلیس‌ها همانند تمامی افراد جامعه و حتی بیشتر از آن‌ها باید توان و مهارت سخن گفتن در جمع، سخن گفتن در مقابل روسا و توان سخنرانی کردن در جمع‌هایی مانند دانش‌آموزان مدرسه، حضار شرکت‌کننده در یک گردهمایی، و گروه تماشاچیان فوتبال و... را داشته باشند، چرا که ممکن است از آنان خواسته شود که در این گونه مکان‌ها و برای افرادی خاص سخن

^۱ Body Language

گویند (هس و میلر، ۱۳۸۲). افسران پلیس سعی نمایند مطالب را پیش از قرار گرفتن در مقابل حضار و مخاطبان، ابتدا بر اساس مخاطبان آمده کنند اما در عین حال باید تلاش کنند تا مطالب قابل فهم در ساده ترین شکل ارائه گردد تا همه بتوانند سخنان او را درک کنند. البته گاه ممکن است این قضیه (این که یک افسر جزء یا یکی از معاونان اداره بتواند خوب سخن گوید) موجب نگرانی حتی رئیس آن بخش شود، چرا که ممکن است این تصور پیش آید که آن افسر کم کم جای رئیس را خواهد گرفت.

برخی موضوعات مهم درباره کلام عبارت است از: نخست، آهنگ و تن صدا (مثلا این که تا چه اندازه در هنگام تعاملات اجتماعی با دیگران آهسته، آرام و شمرده شمرده سخن می گوئید یا تند حرف می زنید؟ آیا تن صدای شما بالاست یا پائین؟ آیا هنگام عصبانیت و اضطراب صدایتان تغییر می کند؟ صدایتان بلند است یا کوتاه؟) دوم، سرعت (مثلا تا چه اندازه سریع و تند حرف زده یا با ملایمت سخن می گوئید) و بالاخره، سوم، لحن و گفتار چگونه است، برای مثال مسخره آمیز یا جدی است (دارلی، ۱۳۸۵: ۷۰ و ۷۱).

تعاملات اجتماعی به معنای ارسال انتظارات، خواسته‌ها و دریافت پیام‌ها مستلزم چیزی بیش از مهارت‌های کلامی ساده است. ارتباطات پلیس همیشه تعاملی استراتژیک است که در پی برآورده ساختن انتظارات، اهداف و برنامه‌های نظامند مردم است. در روابط اجتماعی پلیس نه تنها دیگران راحت تحت تاثیر قرار می‌دهد بلکه نحوه گسترش دیگران را نسبت به امنیت اجتماعی ناجا شکل می‌دهد. حساسیت این موضوع به حدی است که امروزه نوع برخورد پلیس با مردم ونحوه برقراری ارتباطات کلامی و غیر کلامی موجب افزایش ضریب احساس امنیت در مردم باوجود نادانی عینی در جامعه می‌گردد. افزایش مهارت‌های ارتباطات غیر کلامی پلیس موجب عمق بخشیدن به روابط اجتماعی پلیس و کنترل محیط می‌شود. بدیهی است مهم‌ترین عنصر ارتباط غیر کلامی پلیس، لباس فرم، چهره و چشم‌ها (ارگایل و اکمن، ۱۹۷۵)، اشارت و حرکات دست‌ها (فرهنگی، ۱۳۷۵: ۲۷۴)، لحن کلام (گیدنز، ۱۳۷۳)، نحوه پوشیدن آن و تجهیزاتی که بر روی بدن دارد (میلر، ۱۳۶۸).

تعاملات پلیس با رسانه‌ها نوع دیگری از ارتباطات است که تاکیدش بر کاربرد کانال رسانه‌ای (مانند رادیو، تلویزیون، سینما، مطبوعات، نشریات ادواری، کتاب، صفحه گرامافون، کاست‌ها و نوارهای صوتی و تصویری، اینترنت، ماهواره، چندرسانه‌ها و مانند این‌ها) است. شرام (۱۹۶۴) براین باور بود که هر کانال ارتباطی توانایی انتقال نوع خاصی از پیام را دارد و نمی‌توان هر پیامی را با هر کانال ارتباطی انتقال داد (راجرز و شومیکر، ۱۳۶۹: ۲۷۰). ویژگی اساسی آن‌ها «قدرت و توانایی زیاد و شعاع عمل وسیع و حوزه جغرافیایی نامحدود» (کازنو، ۱۳۸۴: ۴) سرعت در انتقال اطلاعات به قیمت بسیار ارزان (ویندال، سیگنایتر و اولسون، ۱۳۷۶: ۷۰) برای تعداد مخاطبان نامحدود با تنوع و اثرگذاری فراوان است. از این رو، وسایل ارتباطی یا رسانه‌های جمعی، ابزاری هستند که نه تنها امکان ارتباط با جمعیتی زیاد را فراهم می‌آورند (راجرز و شومیکر، ۱۳۶۹: ۲۷۰)؛ که کارهایی را انجام می‌دهند که به لحاظ کمی و کیفی از عهد یک فرد ساخته نیست؛ بنابراین می‌توان گفت یکی از شروط اصلی رسانه‌ها آن است که باید بخش قابل ملاحظه‌ای از مردم



را تحت پوشش خود قرار دهد (کازنو، ۵: ۱۳۸۴). پلیس از طریق شناسایی ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل این رسانه‌ها و کاربرد موثر آن می‌تواند در پیشگیری از جرایم موثر عمل کند.

براساس چارچوب نظری این تحقیق که از نظریه‌های بالا بازسازی شده رسانه‌های گروهی، نظام تشویق و تنبیه، روابط انسانی و خدمات انتظامی، همان‌طور که مور و همکاران (۱۳۹۰) و میلر و براسول و وایتهد (۱۳۹۱) متذکر شده‌اند؛ به عنوان چهار رکن تأثیرگذار در توسعه تعاملات پلیس و مردم تلقی می‌شوند. بر این اساس تعامل از نوع قدرت که بر پایه خشونت و نظام تشویق و تنبیه استوار است باید به عنوان آخرین مرحله تعامل به منظور استقرار نظم آسایش عمومی مدنظر مسئولان و کارکنان ناجا قرار گیرد (محمد نسل، ۱۳۸۷).

موضوع	مؤلفه‌ها	نظریه پرداز	گویه‌ها و شاخص‌ها
گویه‌ها و شاخص‌ها بررسی تأثیر ارتباطات کلانتری‌ها با صنوف در پیشگیری اجتماعی از جرایم	ارتباط رسانه‌ای و پیشگیری اجتماعی از جرایم	ایکاف (۱۳۸۶)/اسدی فر (۱۳۹۶)/کازنو/گینز (۱۳۷۳)/میلر و براسول و وایتهد (۱۳۹۱)	برپایی نمایشگاه در اتاق اصناف توسط پلیس
			ارائه بروشورها و تراکت‌های آموزشی توسط کلانتری‌ها در بین کاسب‌های صنف
			فعالیت همیاران پلیس در بازار
			انجام مصاحبه‌های رسانه‌ای
			توزیع فیلم آموزشی، سی‌دی، عکس هشداردهنده توسط پلیس
	تولید فیلم‌های آموزشی مشترک	حضور پلیس در صنف شما و ارائه آموزش‌های مربوط به تخلفات احترام به حضور پلیس در این صنف و یادگیری دقیق و رعایت قوانین و مقررات همس و میلر (۱۳۸۲)/هیوز (۱۳۸۰)/محمدنسل (۱۳۸۷)/مور و همکاران (۱۳۹۰)/مایرز و مایرز و توللا (۱۳۸۵) بارکر (۱۳۸۵)/میلر و براسول و وایتهد (۱۳۹۱)	
	حضور پلیس در صنف شما و ارائه آموزش‌های مربوط به تخلفات		
	احترام به حضور پلیس در این صنف و یادگیری دقیق و رعایت قوانین و مقررات		
	برگزاری نشست‌های علمی و تخصصی با مسئولین اصناف و صاحبان مشاغل		
	آموزش چهره به چهره کاسب‌ها در صنف شما توسط پلیس		
استفاده پلیس از تجارب صاحبان مشاغل در پیشگیری از جرایم	ارتباطات غیرکلامی رؤسای کلانتری با صنوف و پیشگیری اجتماعی از جرایم	همس و میلر (۱۳۸۲)/هیوز (۱۳۸۰)/محمدنسل (۱۳۸۷)/مور و همکاران (۱۳۹۰)/مایرز و مایرز و توللا (۱۳۸۵)/	سخنرانی پلیس در کلاس‌های اتاق اصناف در زمینه پیشگیری از وقوع جرایم و تخلفات
احترام به قانون و مجریان قانون در صنف‌ها			
آموزش مهارت‌های پیشگیری به افراد جدید وارد شده در صنف‌ها			
مشارکت داوطلبانه صاحبان مشاغل در سطح بازار تحت عنوان پلیس افتخاری با علائم مشخص نیروی انتظامی			
تشکیل اتاق‌های فکر و هم‌اندیشی با صاحبان مشاغل برای رسیدن به راهکارهای جدید در کاهش جرایم و تخلفات			
اعتماد متقابل کلانتری و صاحبان مشاغل و مدیریت اصناف و مشارکت دادن آنان در امور			

زیرا گسترش تعاملات قدرت پلیس موجب کاهش تمایلات همکاری جویانه مردم با پلیس، کاهش سرمایه‌های اجتماعی، اختلال در تمایلات حمایت‌گری مردم از پلیس در مواقع بحران‌های اجتماعی، اختلال در تمایلات حمایت‌گری مردم از پلیس در مواقع بحران‌های اجتماعی و در نهایت کاهش اعتماد اجتماعی می‌شود. هنگامی که پلیس ضمن به کارگیری سایر صور تعاملات اجتماعی نتواند طرف مقابل را به آرامش، احترام به قوانین و قواعد اجتماعی دعوت کند؛ می‌تواند از تعامل قدرت برای به اطاعت وادار کردن استفاده کند. بر همین اساس تقویت شیوه‌های تعاملی پلیس، نظیر تعاملات کلامی و غیرکلامی و رسانه‌ای (عبدالرحمانی و کشتکار، ۱۳۹۳) با گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی تغییرات مهمی در میزان مقابله و پیشگیری از جرم به وجود می‌آورد. برای نمونه یافته‌های قابل اعتمادی درباره تاثیر افزایش مهارت‌های ارتباطی (کلامی و غیر کلامی) و نیز تعاملات رسمی و غیر رسمی پلیس با سایر سازمان با کاهش جرم در جامعه وجود دارد. این چارچوب نظری در مدل زیر نشان داده شده است.



روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی از نوع همبستگی است. «ارتباط رسانه‌ای»؛ «ارتباطات کلامی»؛ و «ارتباطات غیرکلامی» رؤسای کلاتری با صنوف در پیشگیری اجتماعی از جرائم سه مولفه اساسی و هر یک از آن‌ها دارای شش گویه یا شاخص هستند، که در مدل مفهومی آمده‌اند. جامعه آماری آن شامل صنوف و کسبه حوزه کلاتری ۱۰۹ (بهارستان می‌باشد که در سال ۱۳۹۶ تعداد آنها ۲۸۰۰ واحد بوده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای (هر واحد به‌عنوان یک طبقه) متناسب، تعداد هشت طبقه و با توجه به جدول مورگان تعداد ۳۴۰ نفر از کسبه حوزه کلاتری یاد شده به عنوان حجم نمونه تحقیق، انتخاب شدند. روش گردآوری اطلاعات میدانی و ابزار آن پرسش‌نامه محقق ساخته بود که روایی آن با استفاده از روایی منطقی و پایایی آن نیز از طریق ضریب آلفای گرونباخ (که در جدول ۱ ذکر شده) به‌دست آمد. روش گردآوری اطلاعات میدانی و ابزار آن پرسش‌نامه محقق ساخته بود که روایی آن با استفاده از روایی منطقی و پایایی آن نیز از طریق ضریب آلفای گرونباخ (که در جدول ۱ ذکر شده) به‌دست آمد.



جدول ۲: پایایی سوالات فرعی پرسش نامه

ضریب پایایی کل	آلفای کرونباخ	متغیر مستقل
۰/۸۴	۰/۷۸	تعامل کلامی
	۰/۷۷	تعامل غیر کلامی
	۰/۸۳	تعامل رسانه ای

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آمار توصیفی و استنباطی مانند آزمون تی و با بهره‌گیری از نرم افزار spss صورت گرفته است. آزمون تی جزو ضرایب همبستگی خطی در تحقیقات رفتاری است که با استفاده از تفاوت واریانس‌های میانگین‌ها و مقایسه t محاسبه شده با t جدول، احتمال معنی داری و همبستگی متغیرها با سطح سنجش ترتیبی را نشان می‌دهد (عبدی، ۱۳۸۰، ۳۸).

یافته‌های توصیفی

در پژوهش حاضر تعداد ۳۳۸ نفر به پرسشنامه پاسخ داده‌اند که تعداد ۲۵۱ نفر از آنها معادل ۷۵ درصد مرد و تعداد ۸۷ نفر آن‌ها معادل ۲۵ درصد زن بودند. مشخصات سنی آن‌ها نشان می‌دهد بیشترین افراد نمونه در گروه‌های سنی بین ۳۱-۴۰ قرار داشتند. سطح تحصیلات نمونه نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد نمونه فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی هستند. میزان تجربه نمونه حاکی از آن است که ۴۲ درصد نمونه دارای تجربه بین ۱۱ الی ۲۰ سال هستند. در بین سه گروه مورد بررسی، صاحبان مشاغل با تحصیلات دانشگاهی بیشتر از دو گروه دیگر اعتقاد به اثربخشی تعامل پلیس با صنوف داشتند و بر این باور بودند که این تعامل در پیشگیری از جرایم موثر است. در این میان زنان بیشتر از مردان و پا به سن گذاشته‌ها بیشتر از جوان‌ترها معتقد به موثر بودن تعاملات پلیس با صنوف بودند.

در بررسی توصیفی گویه‌های مربوط به شاخص مهارت کلامی مشخص می‌شود گویه «آموزش چهره به چهره کسبه توسط پلیس» با میانگین ۴/۰۵ در رتبه اول، گویه «برگزاری نشست‌های علمی و تخصصی با مسئولین اصناف و صاحبان مشاغل» با میانگین ۳/۸۷ در رتبه دوم و گویه «احترام به حضور پلیس در این صنف و یادگیری دقیق و رعایت قوانین و مقررات» با میانگین ۳/۵۹ در رتبه سوم قرار دارد.

در بررسی شاخص مهارت‌های غیرکلامی مشخص می‌شود گویه «احترام به قانون و مجریان قانون در صنف‌ها» با میانگین ۴/۱۱ در رتبه اول، گویه «مشارکت داوطلبانه صاحبان مشاغل در سطح بازار تحت عنوان پلیس افتخاری با علائم مشخص نیروی انتظامی» با میانگین ۳/۸۷ در رتبه دوم و گویه «آموزش مهارت‌های پیشگیری به افراد جدید وارد شده در صنف‌ها» با میانگین ۳/۵۹ در رتبه سوم قرار دارد.

در بررسی توصیفی شاخص ارتباط رسانه‌ای مشخص می‌شود گویه «توزیع فیلم آموزشی، سی‌دی، عکس هشداردهنده توسط پلیس» با میانگین ۳/۵۶ در رتبه اول، گویه «ارائه بروشورها و تراکت‌های آموزشی توسط کلانتری‌ها در بین کاسب‌های صنف» با میانگین ۳/۵۵ در رتبه دوم و گویه «فعالیت همیاران پلیس در بازار» با میانگین ۳/۵۱ در رتبه سوم قرار دارد.

مقایسه توصیفی شاخص‌های پرسشنامه

جدول ۳: مقایسه توصیفی شاخص‌های مستقل سه گانه

ردیف	متغیرهای مستقل	میانگین	انحراف استاندارد
۱	تعاملات کلامی	۳/۵۹	۰/۸۴
۲	تعاملات غیر کلامی	۳/۶۶	۱/۰۲
۳	تعاملات رسانه‌ای	۳/۳۶	۰/۸۹

در بررسی توصیفی شاخص‌های پرسشنامه مشخص می‌شود تعاملات کلامی با میانگین ۳/۵۹ در رتبه اول، تعاملات غیر کلامی با میانگین ۳/۶۶ در رتبه دوم و تعاملات رسانه‌ای با میانگین ۳/۳۶ در رتبه سوم قرار دارد.

بررسی فرضیه اصلی تحقیق

فرضیه اصلی تحقیق به شرح زیر می‌باشد: تعامل رؤسای کلانتری با صنوف در پیشگیری و کاهش جرایم اجتماعی تاثیر دارد. این فرضیه مشتمل بر ۳ فرضیه فرعی است که قبل از بررسی این فرضیه باید مورد توجه قرار گیرند. قبل از تحلیل فرضیه‌ها به بررسی پیش فرض نرمال بودن داده‌های مربوط به متغیرهای تحقیق از طریق آزمون کولموگروف اسمیرنوف پرداختیم.

جدول ۴: آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن داده‌های مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	Z کولموگروف اسمیرنوف	p
تعامل کلامی	۳,۴۳	۱,۳۴	۱/۱۸	۰/۱۲۲
تعامل غیر کلامی	۳,۳۴	۱,۳۹	۱/۱۲	۰/۱۲۶
رسانه	۳,۴۵	۱,۳۶	۱/۰۸	۰/۱۳۸

همان‌گونه که در جدول ۴-۵ مشاهده می‌گردد آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای نمره متغیرهای این تحقیق معنادار نیست $p > 0/05$ و بنابراین متغیرها دارای توزع نرمالی است و می‌توان از تحلیل‌های پارامتری برای آن استفاده کرد.

فرضیه اول: تعامل کلامی کلانتری‌ها با صنوف در پیشگیری اجتماعی از جرائم تاثیر دارد. برای بررسی تاثیر تعامل کلامی رؤسای کلانتری بر پیشگیری اجتماعی از جرائم، از آزمون آماری تی تک نمونه استفاده شد که نتایج در جداول زیر آمده است.

جدول ۵: آزمون تی تک نمونه تأثیر تعامل کلامی رؤسای کلانتری

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	نمره معیار	t	p	حد پایین	حد بالا
تعامل کلامی	۳/۴۳	۱/۳۴	۳	۵/۹۸	۰/۰۰۰	۰/۲۹۳	۰/۵۸۰

با توجه به جدول ۵ جدول نمره تعامل کلامی گروه نمونه با نمره برش ۳ مقایسه شده است. همان گونه که در جدول بالا مشاهده می شود میانگین نمره تعامل کلامی در گروه نمونه ۳/۴۳ با انحراف استاندارد ۱/۳۴ بود که به طور معناداری ($p < 0/05$) از نمره برش بالاتر بود. می توان نتیجه گرفت که تعامل کلامی کلانتری ها با صنوف بر پیشگیری اجتماعی از جرائم تأثیر گذار است. فرضیه دوم: تعامل غیر کلامی کلانتری ها با صنوف در پیشگیری اجتماعی از جرائم تأثیر دارد.

جدول ۶: آزمون تی تک نمونه ای تأثیر مهارت غیر کلامی رؤسای کلانتری

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	نمره معیار	t	p	حد پایین	حد بالا
تعامل غیر کلامی	۳/۲۴	۱/۳۹	۳	۳/۱۸	۰/۰۰۲	۰/۰۹۳	۰/۳۹

با توجه به جدول ۶ جدول نمره تعامل غیر کلامی گروه نمونه با نمره برش ۳ مقایسه شده است. همان گونه که در جدول بالا مشاهده می شود میانگین نمره تعامل غیر کلامی در گروه نمونه ۳/۱۸ با انحراف استاندارد ۱/۳۹ بود که به طور معناداری ($p < 0/05$) از نمره برش بالاتر بود. می توان نتیجه گرفت که تعامل کلامی کلانتری ها با صنوف بر پیشگیری اجتماعی از جرائم تأثیر گذار است. فرضیه سوم: ارتباط رسانه ای کلانتری ها با صنوف در پیشگیری اجتماعی از جرائم تأثیر دارد.

جدول ۷: آزمون تی تک نمونه بررسی تأثیر ارتباط رسانه ای رؤسای کلانتری

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	نمره معیار	t	p	حد پایین	حد بالا
ارتباط رسانه ای	۳/۴۵	۱/۳۶	۳	۶/۴۲	۰/۰۰۰	۰/۳۱۰	۰/۶۰۲

با توجه به جدول ۷ جدول نمره ارتباط رسانه ای گروه نمونه با نمره برش ۳ مقایسه شده است. همان گونه که در جدول بالا مشاهده می شود میانگین نمره ارتباط رسانه ای در گروه نمونه ۳/۴۵ با انحراف استاندارد ۱/۳۶ بود که به طور معناداری ($p < 0/05$) از نمره برش بالاتر بود. می توان نتیجه گرفت که ارتباط رسانه ای کلانتری ها با صنوف بر پیشگیری اجتماعی از جرائم تأثیر گذار است. میانگین نمره تعامل کلامی در گروه نمونه ۳/۴۳ با انحراف استاندارد ۱/۳۴ بود که به طور معناداری ($p < 0/05$) از نمره برش بالاتر بود. می توان نتیجه گرفت که تعامل کلامی کلانتری ها با صنوف بر پیشگیری اجتماعی از جرائم تأثیر گذار است. میانگین نمره تعامل غیر کلامی در گروه نمونه ۳/۱۸ با انحراف استاندارد ۱/۳۹ بود که به طور معناداری ($p < 0/05$) از نمره برش بالاتر بود. می توان نتیجه گرفت که تعامل کلامی کلانتری ها با صنوف بر پیشگیری اجتماعی از جرائم



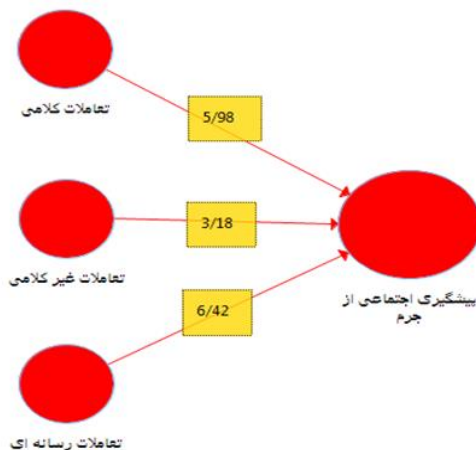
تأثیرگذار است. میانگین نمره ارتباط رسانه‌ای در گروه نمونه ۳/۴۵ با انحراف استاندارد ۱/۳۶ بود که به طور معناداری ($p < 0/05$) از نمره برش بالاتر بود. می‌توان نتیجه گرفت که ارتباط رسانه‌ای کلانتری‌ها با صنوف بر پیشگیری اجتماعی از جرائم تأثیرگذار است.

نتیجه‌گیری

فرضیه اول مدعی بود تعامل کلامی رؤسای کلانتری با صنوف در پیشگیری اجتماعی از جرائم تأثیر دارد. با توجه تحلیل تی‌تک نمونه و بالاتر بودن میانگین تعامل کلامی رؤسای کلانتری از نمره معیار، این متغیر بر پیشگیری اجتماعی از جرائم تأثیر دارد. نتایج حاصل در این بخش با نتایج تحقیق رجبی پور (۱۳۸۲)، خدمتگزار (۱۳۸۲)، کهریز سنگی (۱۳۸۶)، عبدالرحمانی و کشتکار (۱۳۹۳) هم راستاست همچنین در بررسی دقیق‌تر این شاخص مشخص می‌شود، گویه «آموزش چهره به چهره کاسب‌ها در صنف شما توسط پلیس» با میانگین ۴/۰۵ در رتبه اول، گویه «برگزاری نشست‌های علمی و تخصصی با مسئولین اصناف و صاحبان مشاغل» با میانگین ۳/۸۷ در رتبه دوم و گویه «احترام به حضور پلیس در این صنف و یادگیری دقیق و رعایت قوانین و مقررات» با میانگین ۳/۵۹ در رتبه سوم قرار دارد.

فرضیه دوم مدعی بود تعامل غیرکلامی رؤسای کلانتری با صنوف در پیشگیری اجتماعی از جرائم تأثیر دارد. با توجه تحلیل تی‌تک نمونه و بالاتر بودن میانگین تعامل غیر کلامی رؤسای کلانتری از نمره معیار، این متغیر بر پیشگیری اجتماعی از جرائم تأثیر دارد. جوانمرد (۱۳۸۸)، هم راستاست همچنین در این شاخص گویه «احترام به قانون و مجریان قانون در صنف‌ها» با میانگین ۴/۱۱ در رتبه اول، گویه «مشارکت داوطلبانه صاحبان مشاغل در سطح بازار تحت عنوان پلیس افتخاری با علائم مشخص نیروی انتظامی» با میانگین ۳/۸۷ در رتبه دوم و گویه «آموزش مهارت‌های پیشگیری به افراد جدید وارد شده در صنف‌ها» با میانگین ۳/۵۹ در رتبه سوم قرار دارد.

فرضیه سوم مدعی بود ارتباط رسانه‌ای رؤسای کلانتری با صنوف در پیشگیری اجتماعی از جرائم تأثیر دارد. با توجه تحلیل تی‌تک نمونه و بالاتر بودن میانگین ارتباط رسانه‌ای رؤسای کلانتری از نمره معیار، این متغیر بر پیشگیری اجتماعی از جرائم تأثیر دارد. شرفیان (۱۳۹۵) و اسدی فر (۱۳۹۶) و علیوردی (۱۳۹۳) هم راستاست همچنین در این شاخص گویه «توزیع فیلم آموزشی، سی‌دی، عکس هشداردهنده توسط پلیس» با میانگین ۳/۵۶ در رتبه اول، گویه «ارائه بروشورها و تراکت‌های آموزشی توسط کلانتری‌ها در بین کاسب‌های صنف» با میانگین ۳/۵۵ در رتبه دوم و گویه «فعالیت همیاران پلیس در بازار» با میانگین ۳/۵۱ در رتبه سوم قرار دارد.



همچنین نتایج تحقیق حاضر همسو و همخوان با تحقیقات انجام شده خارجی مارک و گلسدروپ^۱ (۱۹۹۴)، مارک و گلسدروپ^۲ (ب ۱۹۹۴)، کنسول ملی پیشگیری از جرم (۲۰۰۵)، ساره و ویلر^۳ (۱۹۹۹)، پیتر (۲۰۰۵) مارگاردشاو (۲۰۰۹) است. با توجه به این که تحقیق حاضر به دنبال بررسی نقش تعامل پلیس با صنوف در پیشگیری اجتماعی از جرائم بود و به علت اعتقاد به وجود روابط پیچیده میان عوامل و پدیده‌های اجتماعی و به طور کلی پیچیدگی روابط میان پدیده‌های انسانی به رویکرد نظری واحدی تکیه نکرد و تلاش شد تا از نظریه مبادله جرج هومنز و رویکرد نمایشی اروینگ گافمن استفاده شود. این دو رویکرد به این دلیل مورد استفاده قرار گرفته‌اند که اولاً برنامه‌های تبلیغات و آگاه‌سازی پلیس در سطح صنوف در حکم نوعی تعامل و کنش متقابل با مردم می‌باشد و این تعامل دارای اثرات متعددی است. از سوی دیگر، حضور پلیس در سطح صنوف و ارائه آموزش‌های لازم به صاحبان مشاغل، موجب مدیریت بهتر و صحیح خود می‌شود که این مساله در رویکرد نمایشی گافمن به خوبی به تصویر کشیده شده است. در تبیین نتایج به دست آمده از این پژوهش باید گفت که در تعامل دوطرفه بین پلیس و صنوف، اعتقاد صاحبان مشاغل به اثربخش بودن تعامل، بالا می‌باشد و این نشان می‌دهد که آموزش‌های پلیس، از اثرات مثبت قابل توجهی برخوردار بوده است و تا حد زیادی توانسته است بر نگرش صاحبان مشاغل اثرگذار باشد. تخصصی شدن زندگی اجتماعی و پیچیدگی روزافزون عرصه زندگی اجتماعی، حوزه نیازهای اجتماعی در بخش‌های انتظامی، امنیتی، خدمات انتظامی، خدمات مشاوره‌ای و سایر نیازهای جدید را پیچیده‌تر و ضرورت حضور و وجود پلیس در زندگی مردم را بیش از هر زمان دیگری نمایان ساخته است. پلیس امروزه دریافته است که می‌باید به آنچه در سطوح جهانی، بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی می‌گذرد، آگاهی پیدا کرده و به موازات تغییر در عرصه‌های گوناگون زندگی، به معضلات اجتماعی با نگاهی علمی و همه جانبه برخورد نموده و بر روند آسیب‌ها، انحرافات و

¹ Liddle, A. Mark and Loraine R. Gelsthorpe

² Liddle, A. Mark and Loraine R. Gelsthorpe

³ Meek, Sarah and Kirsten Bowen-Willer, Editors

آشفته‌گی‌های اجتماعی، اشراف داشته باشد. مهمترین تغییری که در این ارتباط قابل طرح است، تغییر در پیش فرض پلیس نسبت به فعالیت خود می باشد (یعنی تغییر رویکرد از تهدیدمحوری به جامعه محوری). طی سال‌های اخیر با گرایش پلیس به رویکرد جامعه‌محوری، چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای در روابط پلیس-مردم رقم خورده است. در چارچوب این رویکرد، زمانی می‌توان به فعالیت پلیس مطلوب دست یافت، که فاصله تاریخی ایجاد شده بین مردم از یک سو و نهادهای وابسته به حکومت از سوی دیگر از بین برود، به نحوی که به لحاظ واقعی و عینی، فاصله‌ای بین آن‌ها مشاهده نشود و درک جدیدی نسبت به شرایط اجتماعی حاصل شود. براین اساس برای امور گوناگون به خصوص در زمینه‌های اجتماعی، اقدامات و سازوکارهای جدیدی بایستی تدارک دیده شود تا بتوان از آن طریق توقع جامعه را از یک پلیس فعال و کارآمد برآورد ساخت.

پیشنهادها

- با توجه به نتایج حاصل از تحقیق و نیز تجربیات کسب شده در طی انجام تحقیق، به منظور بهبود ارتباط پلیس با صنوف در امر پیشگیری اجتماعی از جرائم پیشنهادهای زیر مطرح می‌شود:
 - ۱- پلیس از تمامی ظرفیت رسانه‌های جمعی و رسانه‌های خود در ایجاد تعامل دوسویه و چندسویه متناسب و موثر بین کلانتری‌ها (پلیس) با صنوف مختلف در پیشگیری اجتماعی از جرم اقدام نماید.
 - ۲- تعامل مستمر و صمیمی روسای کلانتری‌ها با صنوف از طریق رسانه‌ها به طور شفاف و صادقانه بودن برای جلب اعتماد و پیشگیری از جرم.
 - ۳- اجرای برنامه‌های تعاملی کلانتری‌ها در راستای شناسایی ویژگی‌های ظاهری مجرمین بالقوه، با هدف پیشگیری و کاهش جرایم صنوف.
 - ۴- ارتباط کلامی بیشتر و موثرتر با اعضای جوان‌تر صنوف و مشارکت دادن بیشتر آنها در برنامه‌های پیشگیرانه از جرم.
 - ۵- تاکید بر ارتباطات کلامی قانونمند و رسمی و در عین حال توجه به برقراری ارتباطات (و آموزش) کلامی غیر رسمی، صمیمانه و همدلانه.
 - ۶- توجه به ظاهر آراسته، لباس مرتب و تر و تمیز با تجهیزات کامل به هنگام روبرو شدن با اعضای صنوف با هدف برقراری ارتباطات چهره به چهره.
 - ۷- اهمیت دادن به مواردی مانند: نوع نگاه‌ها، اشارات دست، سکوت کردن، گوش فرا دادن موثر، و... به هنگام برقراری ارتباطات با صنوف.
 - ۸- تهیه انواع فیلم‌ها، تصاویر و نماهای هشدار دهنده، برگزاری نمایشگاه‌های مرتبط با پیشگیری اجتماعی از جرم با کمک صنوف.
 - ۹- برپایی نمایشگاه‌های مختلف مرتبط با پیشگیری از جرم با تاکید بر همکاری و مشارکت صنوف در کشف برخی جرایم.



۱۰- تشکیل اتاق‌های فکر و هم‌اندیشی با صاحبان مشاغل به طور مستمر و گاه ضروری، برای رسیدن به راه‌کارهای جدید در کاهش جرائم و تخلفات.

منابع

- اسدی فر، محمد (۱۳۹۶) الگوی مناسب تعاملات اجتماعی پلیس در مدیریت انتظامی پیشگیری از جرم. رساله دکتری رشته مدیریت پیشگیری از جرم. به راهنمایی حسین ذوالفقاری.
- اسدی فرد، محمد و حسین ذوالفقاری (۱۳۹۶) نقش تعاملات اجتماعی کارکنان پلیس در مدیریت پیشگیری از جرم. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، سال دوازدهم شماره ۳ (پیاپی ۴۷، پاییز ۱۳۹۶ صص ۱۱۱-۱۳۴).
- امین صارمی، نوذر و عبدالرحمانی، رضا و توکلی، حسن (۱۳۹۷) بررسی تأثیر تعاملات کلانتری‌ها با صنوف در پیشگیری اجتماعی از جرائم (مطالعه موردی کلانتری ۱۰۹ بهارستان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته اجتماعی. دانشگاه علوم انتظام امین.
- ایکاف، راسل (۱۳۸۶) برنامه‌ریزی تعاملی (مدیریت هماهنگ با تحول برای ساختن آینده سازمان) سهراب خلیل شورینی. تهران: کتاب‌ماد.
- آوتویت، ویلیام، باتامور، تام؛ (۱۳۹۲)، فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- بارکر، آلن (۱۳۸۵) تقویت مهارت‌های ارتباط موفق و موثر. فرزاد هراتی. تهران: به تدبیر.
- بیات محمد کریم (۱۳۹۴) بررسی رابطه نگهبان محله با پیشگیری اجتماعی از جرم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پیشگیری اجتماعی از جرم. دانشگاه علوم انتظامی.
- بیات، بهرام؛ شرافتی‌پور، جعفر و عبدی، نرگس (۱۳۸۷) پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع‌محور، تهران، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، معاونت اجتماعی ناجا، اداره کل مطالعات اجتماعی.
- جوانمرد، بهروز؛ ۱۳۷۸؛ تعامل سازمان پلیس و دستگاه قضایی ایران در زمینه پیشگیری از جرایم خرد؛ اولین همایش ملی پیشگیری از جرم؛ مرکز همایش‌های بین‌المللی برج میلاد.
- حبیب‌زاده، اصحاب و رضا عبدالرحمانی (۱۳۹۳) طرح تحقیق: نقش سازمان‌های غیرامنیتی در ایجاد بسترهای امنیت شهرهای ساحلی (طراحی مدل تعاملی بر مبنای مطالعه موردی شهرستان بندرعباس).
- حبیب‌زاده اصحاب؛ عبدالرحمانی، رضا (۱۳۹۰) نقش سازمان‌های غیرامنیتی در ایجاد بسترهای امنیت شهرهای ساحلی (با تأکید بر مطالعه موردی شهرستان بندرعباس) و ارائه مدل تعاملی.
- خدمتگزار و ثوقی، شهربانو (۱۳۸۲) نقش نهادهای آموزشی در پیشگیری از وقوع جرم مجموعه مقالات همایش علمی- کاربردی پیشگیری از وقوع جرم.
- دارلی، مارک (۱۳۸۵) مدیریت ارتباط در مراقبت‌های بهداشتی. معصومه عصری. تهران: ناهید.

- راجرز، ام. اورت و شومیکر، اف. فلویید (۱۳۶۹) رسانش نوآوری‌ها: رهیافتی میان فرهنگی. عزت‌اله کرمی و ابوطالب فنایی. شیراز: دانشگاه شیراز.
- رجبی‌پور، محمود (۱۳۸۲) راهبرد پیشگیری اجتماعی از جرم (تعامل پلیس و دانش‌آموزان، فصلنامه دانش انتظامی، سال پنجم، شماره سوم).
- عبدالرحمانی، رضا (شهریور ۱۳۸۳) پلیس اجتماع محور و امنیت محله‌ای. فصلنامه دانش انتظامی.
- شاطری، محبوبه، دلگشایی، یلدا، ایمانی، محمد نقی، خورشید، عباس. (۱۳۹۸). ارائه الگوی آموزش تعامل با دینفعان. آموزش در علوم انتظامی. ۷۱-۹۰، ۷(۲۵).
- شاکری، ابوالحسن (۱۳۸۲) قوه قضاییه و پیشگیری از وقوع جرم، مجموعه مقالات همایش علمی- کاربردی پیشگیری از وقوع جرم.
- شرفیان (۱۳۹۵) نقش تعامل پلیس و دستگاه قضایی در کاهش جرائم (مطالعه موردی استان کهگیلویه و بویراحمد) فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی کهگیلویه و بویراحمد. شماره ۲۳: دوره دوره نهم تابستان.
- عبدالرحمانی، رضا و کشتکار، حجت (پائیز ۱۳۹۳) بررسی تاثیر تعامل برون سازمانی روسای کلانتری در پیشگیری از جرایم در شهر کرمانشاه. مطالعات مدیریت انتظامی. شماره ۳. صص ۴۱۴-۴۴۰.
- عبدی، عباس (۱۳۸۰) آزمون فرضیه در علوم رفتاری، تهران: نشر حنا.
- علیوردی نیا، اکبر (۱۳۹۳) مدیریت پیشگیری از جرم در ایران. فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان. سال دوم. شماره هشتم. زمستان ۱۳۸۴. صص ۳۷-۵۸.
- فرگاس، جوزف. پی (۱۳۷۹) روان‌شناسی تعامل اجتماعی. خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت. تهران: ابجد.
- فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۴). مبانی ارتباطات انسانی. (دوجلدی)، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۵). ارتباطات غیر کلامی. میبد: دانشگاه آزاد اسلامی.
- قاسمی کهریزسنگی، مرضیه (۱۳۸۷) رویکرد چندنهادی به پیشگیری از خشونت در مدارس. تهران: معاونت پلیس پیشگیری ناجا.
- کازنو، ژان (۱۳۸۴) جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی. باقر ساروخانی و منوچهر محسنی. تهران: اطلاعات.
- کریمی مزیدی، احمدرضا، رحیم نیا، فریبرز. (۱۳۹۹). اثر ابعاد مختلف تعامل مردم با پلیس بر امنیت روانی و اجتماعی: بررسی وضع موجود و ارائه راه‌کارهای بهبود. فصلنامه علمی دانش انتظامی خراسان رضوی. ۹۰-۱۲۰، ۴۸(۴۸). ۱۲.



- کشتکار، رسول (۱۳۸۳) بررسی نقش تعامل برون سازمانی روسای کلانتری در پیشگیری از جرائم در شهر کرمانشاه. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت انتظامی. به راهنمایی رضا عبدالرحمانی.
- گیل، دیوید و آدامز، بریجت (۱۳۸۴) الفبای ارتباطات. رامین کریمیان و مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳) جامعه‌شناسی. منوچهر صبوری. تهران: نی.
- مایرز، گیل ای و مایرز، میشل توللا (۱۳۸۵) پویایی ارتباطات انسانی. حوا صابر آملی. تهران: دانشکده صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۷) پیشگیری از جرم (مجموعه مقالات). تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- محمدی، مالک، ۱۳۹۷، ارایه راه کارهای افزایش امنیت و کاهش جرم در ارتباط با فضاهای بدون نظارت شهری در راستای تعامل سازنده نیروی انتظامی و طراحی محیطی نمونه موردی: محله‌های باغ خلج و فوتبال کلانشهر اراک، سومین کنفرانس بین المللی عمران، معماری و طراحی شهری، تبریز.
- مور هری دلبلیو و همکاران (۱۳۹۰) مدیریت و رفتار سازمانی نیروی پلیس. ترجمه محمد اعرابی، تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- میلر، جرال (۱۳۶۸) ارتباط غیر کلامی. علی ذکاوتی قراگزلو، تهران: انتشارات سروش.
- میلر، لاری و براسول، مایکل و وایتهد، جان (۱۳۹۱) روابط انسانی و کار پلیس. ترجمه سروش بهربر. تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- نپر، پاول و دوک، جانانان و شاپلند، جوانا (۱۳۹۵) پیشگیری از جرایم شهری، مراقبت و عدالت ترمیمی. حمید فاطمی موحد و مسلم جمشیدی. تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- نجفی‌ابرناد آبادی علی حسین (۱۳۷۳ و ۱۳۷۲) جرم شناسی (اصلاح و درمان) تهیه و تنظیم بتول پاکزاد. نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۱۳۷۲-۷۳.
- نمایان، پیمان و مهدی شهبازی (۱۳۹۹) ارتقای امنیت اجتماعی از طریق پیشگیری جامعه‌مدار از ارتکاب جرم در پرتو رهیافت های دینی فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، پیاپی ۵۶ (پاییز ۱۳۹۹). صص ۷۵-۹۵.
- ویندال، سون و سیگنایترز، بنو و اولسون، جین (۱۳۷۶) کاربرد نظریه های ارتباطات (مقدمه‌ای بر ارتباطات برنامه‌ریزی شده). علیرضا دهقان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- هارجی، اون و ساندرز، کریستین و دیکسون، دیوید (۱۳۷۷) مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی. خشایار بیگی و مهرداد فیروز بخت. تهران: رشد.
- هس، کارن ام. اس میلر، لیندا (۱۳۸۲) پلیس در اجتماع. (رضا کلهر، تهران، مترجم). تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.

● هیوز، گوردن (۱۳۸۰) پیشگیری از جرم (کنترل اجتماعی، ریسک و مدرنیته اخیر). علیرضا کلدی و محمدتقی جغتایی. تهران: سازمان بهزیستی و دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

- Friedman RR(1992) Community policing: Comparative perspectives and prospects. New York: Harvester Wheatsheaf.
- Trajanowicz, Robert C; Bucqueroux, Bonnie (1990). Community Policing: A contemporary perspective. Anderson. Archived from the original on 2015-11-17. Retrieved 14 Nov 2015.
- Marais, E. (1993). *The Police-Community Relationship*. In Glanz, L. (ed), Managing Crime in the New South Africa: Selected readings. Pretoria: HSRC Publishers. Proceedings of the Human Sciences Research Council conference, Managing Crime in the New South Africa: A practical and affordable approach, Pretoria, 4-6 August 1992.
- Liddle, A. Mark and Loraine R. Gelsthorpe. Crime Prevention and Inter-agency Co-operation. (Crime Prevention Unit Series: Paper No.53). London: HomeOffice Police Research Group, 1994.
- Liddle, Mark A. and Loraine R. Gelsthorpe. Inter-agency Crime Prevention: Organising Local Delivery. (Crime Prevention Unit Series: Paper, No.52). London: Home Office Police Research Group, 1994.
- National Crime Prevention Council. Everyone's Doing It: Planning a Successful Community Crime Prevention Project. Washington, DC: National Crime Prevention Council, [2005].
- Meek, Sarah and Kirsten Bowen-Willer, Editors, Report of the International Conference for Crime Prevention: Partnerships to Build Community Safety (26-30 October 1998 Johannesburg, South Africa). [1999].
- Homel, Peter. Regional Organisation for Crime Prevention Delivery. Australia: Australian Government, Australian Institute of Criminology, 2005.